

## دکتر دنیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۳ روایت‌های دوران نوزادی، بخش ۱، لوقا ۱:۱-۲:۵۲

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو و آموزه‌های او در مورد انجیل لوقا هستم. این جلسه سوم، روایت‌های دوران نوزادی، بخش ۱، لوقا ۱:۱-۲:۵۲ است.

به مطالعات ما در مورد انجیل لوقا خوش آمدید.

در دو سخنرانی قبلی، به مقدمه‌ی اولیه‌ی انجیل لوقا پرداختیم و در سخنرانی دوم، به هنر ادبی انجیل لوقا پرداختیم. حال، مستقیماً به متن می‌پردازیم، بنابراین اگر کتاب مقدس خود را همراه دارید، می‌توانید فصل اول لوقا را باز کنید و با دقت دنبال کنید زیرا این بخش از سخنرانی، روایت کودکی نام دارد و این سخنرانی دو فصل اول انجیل لوقا را پوشش می‌دهد. بیایید با یادآوری مختصری از مقدمه‌ی انجیل لوقا شروع کنیم.

به یاد داشته باشید، من توجه شما را به این واقعیت جلب کردم که لوقا در چهار آیه اول توضیح داد که او روایتی را ارائه می‌دهد که توسط افرادی که روایت‌های شاهد عینی دارند به او رسیده است، و خود او تلاش کرده است تا روایتی منظم از مطالبی که در اینجا ارائه می‌دهد، ارائه دهد. همانطور که به این متن می‌رسیم از چهار آیه اول که اساساً این مقدمه‌ای است که من روی صفحه دارم، صرف نظر می‌کنیم تا نگاهی به روایت کودکی یحیی و عیسی و نحوه همکاری آنها در چارچوب روایتی لوقا بیندازیم. لوقا قصد دارد این توازی را نشان دهد تا این دو شخصیت کلیدی را که به تحقق وعده‌های مسیحایی یهودیان کمک می‌کنند و اینکه چگونه پادشاهی خدا و پیام پادشاهی خدا از طریق عامل روح القدس به وقوع می‌پیوندد، همانطور که خدا با این شخصیت‌ها و دیگران کار می‌کند، به ما نشان دهد.

اجازه دهید ابتدا با توجه به این واقعیت شروع کنم که اگر داستان‌های کریسمس را در کتاب مقدس دوست دارید، ممکن است متوجه نشده باشید که دو انجیل وجود دارد که بیشتر داستان‌های کریسمس خود را از آنها می‌گیرید. آنها عمدتاً در لوقا یا در متی هستند. در برخی موارد، مردم داستان‌های متی را دوست دارند و سرودهای لوقا را نیز دوست دارند.

بنابراین، مرقس هیچ فضای قابل توجهی را به بحث در مورد تولد عیسی اختصاص نمی‌دهد. مرقس علاقه‌ای ندارد. مرقس می‌توانست بدون ارائه شرح مفصلی از تولد عیسی به هدف خود برسد.

یوحنا اصلاً علاقه‌ای ندارد. در واقع، یوحنا برای اینکه درباره آمدن عیسی به دنیای ما صحبت کند، آن را در یک ساختار الهیاتی قرار می‌دهد تا درباره کلمه صحبت کند و در ابتدا کلمه بود، و کلمه با خدا بود و کلمه به جهان آمد و آیه ۱۲ به کسانی که او را می‌پذیرند، کسانی که به او ایمان می‌آورند، قدرت داد تا فرزندان خدا نامیده شوند. یوحنا اصلاً علاقه‌ای به تولد عیسی در آخر ندارد.

اما متی علاقه‌مند است، و لوقا نیز علاقه‌مند است و اتفاقاً به تقسیم‌بندی‌هایی که در کتاب مقدس خود داریم. متی دو فصل اول انجیل خود را به روایت نوزادی اختصاص می‌دهد، و لوقا دو فصل اول کتاب مقدس متن خود را به روایت نوزادی اختصاص می‌دهد. بنابراین اجازه دهید از طرح کلی ریموند براون برای برجسته کردن ده ویژگی که این دو انجیل، متی و لوقا، در روایت نوزادی ارائه می‌دهند، استفاده کنم، همانطور که در سخنرانی قبلی اشاره کردم، این دو یکدیگر را نمی‌شناختند. این دو به مرقس وابسته بودند که چیزی در مورد روایت نوزادی برای گفتن نداشت، و با این حال، وقتی همه آنها دو فصل اول انجیل‌های

خود را به روایت نوزادی اختصاص دادند، تمایل دارند ده چیز مشترک داشته باشند که بسیار بسیار جالب است.

بنابراین، بیایید از این موضوع پیروی کنیم و من طرح کلی ریموند براون را در این مورد دنبال می‌کنم. اولین چیزی که در دو فصل اول متی و لوقا مشاهده می‌شود این است که مریم و یوسف در هر دو انجیل نامزد شده بودند. کلمه‌ای که در آنجا استفاده شده است، همانطور که می‌دانیم به معنای نامزد شده است. آنها از نظر قانونی و تشریفاتی ازدواج کرده‌اند، اما به دلیل سن زن، ازدواج نمی‌تواند به طور سنتی انجام شود و در مقطعی، سن زن باید به سطح خاصی برسد تا ازدواج بتواند انجام شود.

خب، به زوجی فکر کنید که با هم آمیزش جنسی دارند. متی این را به یاد می‌آورد و لوقا هم آن را. دوم، هم متی و هم لوقا به ما می‌گویند که یوسف، پدرخوانده‌ی عیسی، از نوادگان داوود بود. دلیل اینکه آنها می‌خواهند این را به ما بگویند این است که طبق پیشگویی‌های مسیحایی، مسیح باید از نوادگان داوود باشد و این دو روایت به سرعت این را بیان می‌کنند که همه چیز در چارچوب پیشگویی‌های مسیحایی سنت یهودی اتفاق می‌افتد.

سوم، در هر دو روایت، فرشته‌ای تولد عیسی را اعلام کرد. ما می‌دانیم که این فرشته جبرئیل است و بعداً کمی بیشتر در مورد او صحبت خواهیم کرد. بنابراین، یک فرشته این را اعلام کرد.

حال، اگر از همان ابتدا این سخنرانی‌ها را دنبال می‌کردید، من به دنیای لوقا اشاره کردم و توجه شما را به این واقعیت جلب کردم که اگر در دنیای غرب زندگی می‌کنید، این واقعیت را از دست ندهید. در دنیای لوقا فرشتگان با انسان‌ها صحبت می‌کنند. آنها پیام‌های الهی را ارائه می‌دهند و انسان‌ها می‌توانند با این واقعیت کنار بیایند که در واقع، موجود معنوی که با آنها صحبت می‌کند، از جانب خدا صحبت می‌کند و بله، آنچه آنها می‌گویند، به وقوع خواهد پیوست.

هم در متی و هم در لوقا، فرشته‌ای درباره آمدن عیسی یا تولد او صحبت می‌کند. چهارم، هم در متی و هم در لوقا، آباستن شدن مریم از طریق رابطه جنسی او با یوسف اتفاق نمی‌افتد. خیر، در هر دو روایت، آباستن شدن مریم از طریق معجزه آسا رخ خواهد داد.

به عبارت دیگر، این دو روایت انجیل قرار است چیزی را به ما بگویند که قبلاً هرگز در جهان اتفاق نیفتاده است. اینکه یک باکره باردار می‌شود و او توسط یک روح باردار می‌شود. چیزی که ما در مورد آن می‌دانیم و بعداً به شما خواهیم گفت، روایات باستانی از یونان، روم و سایر سنت‌ها است که می‌گویند یک موجود معنوی می‌تواند به تولد فرزند کمک کند یا می‌تواند به یک زن کمک کند تا باردار شود و فرزند به دنیا بیاورد.

اما چیزی که ما نمی‌دانستیم، صد در صد لقاح کودک توسط عامل معنوی بود. هر دو نویسنده انجیل قرار است این را ثبت کنند. پنج، در هر دو انجیل متی و لوقا، مریم توسط روح القدس باردار خواهد شد.

حالا در دانشگاه، افتخار تدریس به چند مرد جوان خوب را دارم و این یکی از جاهایی است که به آنها می‌گویم فقط تصور کنید یک دختر خوب که با او قرار می‌گذارید و مسیحی است و همیشه به شما می‌گوید باکره است، یک روز پیش شما می‌آید و می‌گوید هی جو، یک خبر عالی برایت دارم. و شما می‌گویید، چه خبری؟ او گفت خب، خیلی هیجان‌انگیز است، خیلی باورنکردنی است و گفت چه خبر هیجان‌انگیزی؟ او به شما می‌گوید که من واقعاً باردار هستم و از روح القدس باردار شده‌ام. خب، کاش می‌توانستم هر وقت سناریویی مثل این را بازسازی می‌کردیم، شما را در کلاس داشته باشم.

من چهره مرد جوان را می بینم، کسانی را که به جایی نمی رسند می بینم، نه من را، و سپس از داوطلبان می خواهم که بازخورد بدهند - که توسط روح القدس القا شده است. یک مرد جوان در یک کلاس به من یادآوری کرد که اولین باری که این اتفاق افتاد چه زمانی بود و چرا قرار بود حرف شما را باور کنم. خوب، در هر دو روایت انجیل، یوسف باید این را بشنود.

ازدواج همسر نامزد او به انجام نرسیده است. او از روح القدس باردار خواهد شد. ششم، هم متی و هم لوقا ثبت می کنند که فرشته ای فرمان خواهد داد که نام کودک، عیسی، یهوه نجات دهنده، نامیده شود. فقط مکث کنید و در مورد این فکر کنید.

کودک توسط روح القدس باردار خواهد شد. چه کسی؟ آیا قرار است یوسف بارداری را بپذیرد؟ پس، نام کودک باید کسی باشد که برای نجات آمده است. بله، هر دو انجیل این را ثبت کرده اند.

هفت، هم متی و هم لوقا ثبت کرده اند که عیسی منجی جهان خواهد بود. اگر به خاطر داستان کریسمس این چیزها را بدیهی فرض کرده اید، لطفاً دوباره و دوباره فکر کنید. این زوج، ببخشید، در روستای کوچک تر از روستای آفریقایی من در ناصره زندگی می کردند.

آنها از خانواده سلطنتی نبودند. آنها وجهه اجتماعی لازم برای باور شدن توسط همه را نداشتند. همه این اتفاقات رخ می دهد و آن کودک ناجی جهان نامیده خواهد شد.

بله، بله، متی و لوقا هر دو می گویند. خوب، هشتم، هم متی و هم لوقا ثبت کرده اند که تولد قبل از اینکه والدین به عنوان یک زوج ازدواج کرده به خانه مشترک نقل مکان کنند، اتفاق خواهد افتاد. به عبارت دیگر، برای کامل کردن ازدواج.

و نه، هر دو ثبت می کنند که کودک در بیت لحم متولد شده است. و ده، هر دو ثبت می کنند که کودک در ناصره بزرگ شده است. حال، این قابل توجه است.

این کودک نه در اورشلیم به دنیا آمده و نه در کفرناحوم بزرگ شده است. می بینید، اگر شما یک پسر روستایی مثل من بودید، می گفتید، بله، عیسی ما را درک می کند. او یک قهرمان روستا بود.

اما به این ده شباهت بین متی و لوقا فکر کنید، که به روایت دوران نوزادی بسیار علاقه مند هستند و به نوعی این ده نکته کلیدی را که باید از آنها آگاه باشیم به ما می گویند. اما اجازه دهید قبل از اینکه عمیق تر به روایت لوقا بپردازیم، توجه شما را به چهار نکته که در نحوه روایت هر دوی آنها کاملاً متفاوت است، جلب کنم. اول، در هر دو روایت درباره فرشتگان صحبت می کنیم.

اما فرشته در متی با یوسف صحبت می کند. در لوقا، فرشته با مریم صحبت می کند. بنابراین، در متی به ما گفته شده است که مریم باردار بود و توسط روح القدس باردار شد.

در لوقا، فرشته مستقیماً با مریم صحبت می کند. در مورد بشارت، خواهیم دید که در متی، تولد عیسی به چهره های برجسته ای از شرق به نام مغان اعلام می شود. در لوقا، تولد عیسی به برخی از افرادی که مشاغل دارند که هیچ کس دوست ندارد، اعلام می شود. هیچ کس از جایگاه اجتماعی خوبی به نام چوپانی خوشش نمی آید.

تولد عیسی به چوپانان اعلام خواهد شد. نکته دیگری که بین این دو متفاوت است، شجره نامه است. شجره نامه متی با داوود و ابراهیم آغاز می شود.

متی، به عنوان یک یهودی با انجیلی که بر سنت‌های یهودی تأکید دارد، و داوود و ابراهیم، مکان‌های بسیار مهمی برای شروع بودند. در لوقا، یک غیریهودی که به یک غیریهودی تبدیل می‌شود، در مورد پیام انجیل صحبت می‌کند که در آن مسیح از سنت یهودی می‌آید و به سایر نقاط جهان گسترش می‌یابد و منشأ آن را به آدم، پدر همه بشریت، ردیابی می‌کند. به طوری که لوقا بتواند استدلال کند که او ناجی همه بشریت است.

فقط لوقا از الیزابت و زکریا و تولد یحیی تعمید دهنده گزارش می‌دهد. حتی عیسی در معبد گم می‌شود؛ ۴. فقط لوقا این را ثبت می‌کند. متی این را حذف می‌کند.

حالا بیایید به لوقا برگردیم و شروع به یافتن مطالب هیجان‌انگیزی در لوقا از فصل ۱، آیات ۵ تا ۷ از فصل ۱ کنیم. در روزگار هیروودیس، پادشاه یهودیه، کاهنی به نام زکریا از فرقه ایبا بود و همسری از دختران هارون داشت که نامش الیزابت بود. و هر دو در پیشگاه خدا پارسا بودند و در تمام احکام و فرایض خداوند بی‌عیب و نقص عمل می‌کردند. اما فرزندی نداشتند زیرا الیزابت نازا بود و هر دو سالخورده بودند.

می‌دانم که وقت زیادی را صرف آیه ۶ نمی‌کنم، اما لطفاً قبل از اینکه خلاصه اصلی را برایتان ارائه دهم، با من در مورد آنچه در آیه ۶ آمده است، همراه شوید. هر دو در برابر خدا پارسا بودند. آنها بی‌عیب و نقص بودند و از تمام احکام و فرایض پیروی می‌کردند.

به عبارت دیگر، الیزابت نازا بود، نه به این دلیل که آنها گناه کرده بودند. الیزابت نازا نبود زیرا از جانب یهوه مجازات می‌شد. نازایی الیزابت را نمی‌توان بر اساس نقصی که به دلیل گناهش بر او وارد شده بود، توضیح داد.

اما او به هر حال نازا بود. حال، بیایید نگاهی به آنچه که در اینجا برای والدین یحیی اتفاق می‌افتد، بیندازیم. زکریا، که به عنوان پدر یحیی نامیده می‌شود، یک کاهن بود. ۱.

به عنوان یک کاهن، از او انتظار می‌رفت که با زنی باکره ازدواج کند، که در بیشتر موارد، او نیز از تبار کاهنان می‌بود. لوقا به سرعت به ما می‌گوید که در واقع، الیزابت نیز چنین بود. الیزابت دختر هارون بود، و بنابراین زکریا کاهن بود.

اما لوقا می‌خواهد به ما بگوید که زکریا در واقع با یک زن باکره که از خانواده کاهنان بود ازدواج کرد. ۲. آنها عادل بودند.

آنها پیروان وفادار یهوه در یهودیت معبد دوم بودند. در واقع، از نظر رعایت شریعت، لوقا به ما می‌گوید که آنها بی‌عیب و نقص بودند. اما آنها با یک چالش روبرو بودند.

آنها فرزندی نداشتند. اگر داستان‌های سارا، ربکا و حنا را در عهد عتیق به خاطر داشته باشید، آنها از سوی جامعه مورد سرزنش قرار می‌گرفتند، زیرا با وجود اینکه چهره‌های برجسته‌ای بودند، با وجود اینکه شخصیت‌های برجسته‌ای مانند زکریا، یک کاهن، بودند، فرزندی نداشتند. این احتمال وجود داشت که آنها متهم شوند که کار اشتباهی انجام داده‌اند.

به همین دلیل است که لوقا به ما می‌گوید، نه، حتی به آنجا نروید. ۳. آنها در پیشگاه خدا پارسا هستند و از نظر اجتماعی نیز بی‌عیب و نقص شناخته می‌شوند. مارک اشتراوس، در مورد سلسله مراتب کاهنی این زوج

می‌نویسد که کاهنان اسرائیل به ۲۴ دوره تقسیم می‌شدند که هر کدام سالی دو بار به مدت یک هفته خدمات معبد را ارائه می‌دادند.

ابیا در اول تواریخ ۲۴، آیه ۱۰ به عنوان هشتمین بخش کاهنان معرفی شده است. و به ما گفته شده است که زکریا از آنجا آمده است. در اینجا، لوقا در حال انجام کاری است تا در مورد این مأموریت مسیحایی و چگونگی انجام آن به ما بگوید.

، لوقا قرار است منشأ را در معبد بیابد. قرار است چیزی در معبد، در قلب یهودیت، آغاز شود. بنابراین اجازه دهید فقط اهمیت معبد را که در دو فصل اول لوقا ذکر شده است، برایتان یادآوری کنم و سپس می‌توانیم از اینجا ادامه دهیم.

یکی از چیزهایی که خواهید دید این است که حدود ۴۰٪ از روایت دو فصل اول لوقا در معبد اتفاق می‌افتد. معبد صحنه‌ای است که بسیاری از این وقایع قرار است در آن رخ دهد. دوم، معبدی که در دو فصل اول خواهیم دید، مکانی برای سکونت خداوند خواهد بود.

آنجا جایی است که خدا ساکن است، و خدا با مردم روبرو می‌شود، و روح خدا از طریق بسیاری از مردم عمل خواهد کرد. برخی حتی در معبد منتظر ظهور مسیح خواهند بود، و همه چیز درست در همان معبد اتفاق خواهد افتاد. قلب یهودیت.

مردم در معبد با خدا ملاقات می‌کردند و خدا نیز با مردم ملاقات می‌کرد. در آنجا، شخصیت‌هایی مانند آنا با عیسی مسیح در کودکی روبرو می‌شوند. اتفاقات زیادی قرار است رخ دهد.

شمعون قرار است در معبد با عیسی نوزاد روبرو شود. اما همانطور که می‌بینید، معبد همچنین محل آموزش است. و در آنجا شاهد شکل‌گیری این مضمون معبد خواهیم بود، و حتی بعداً در لوقا، عیسی نوزاد در معبدی پیدا می‌شود و به والدینش می‌گوید: آیا نمی‌دانید که قرار است من در این مکان در کار پدرم باشم؟ معبدی که در روایت نوزادی خواهیم دید، مکانی برای دعا و پاکی است.

خود زکریا نماز را رهبری خواهد کرد و به ما گفته خواهد شد که در حالی که او برای انجام وظیفه خود به آنجا می‌رود، افرادی در صحن مشغول دعا خواهند بود. معبدی که لوقا در دو فصل اول به ما نشان می‌دهد مکانی است که پیشگویی‌های آخرالزمان در آن در حال وقوع است. به عبارت دیگر، دوستان، کل ماجرای آمدن عیسی مسیح به دنیای ما و چگونگی وقوع این داستان در دنیای ما، بخشی جدایی‌ناپذیر از کاری است که خدا با جامعه عهد خود به نام یهودیان انجام می‌دهد.

تفاوت این است که غیریهودیان بخشی از آنچه خدا در این جهان انجام می‌دهد، خواهند شد. از آیه ۸، زکریا وظیفه خود را در معبد انجام خواهد داد. و در حین انجام وظیفه، ملاقات‌های ویژه‌ای خواهد داشت.

لوقا به ما می‌گوید که زکریا برای انجام وظیفه خود به آنجا آمده بود. همانطور که قبلاً اشاره کردم، گروه او باید سالی دو هفته در معبد خدمت می‌کردند. بنابراین، او برای انجام کاری که قرار بود انجام دهد، آمده بود.

اما در آن لحظه اتفاق خارق‌العاده‌ای رخ داد. فرشته خداوند بر او ظاهر شد. این موضوع قابل توجهی است زیرا می‌توان در اینجا چیزی از آیه ۸ یافت. حال، در حالی که او به عنوان کاهن در پیشگاه خدا خدمت می‌کرد، هنگامی که گروه او طبق رسم کاهنان در حال انجام وظیفه بودند، خداوند او را برای ورود به معبد خداوند و سوزاندن بخور انتخاب کرد.

و در ساعت بخور، جمع کثیری از مردم در بیرون مشغول دعا بودند. آیه ۱۱: و فرشته خداوند که در سمت راست قربانگاه بخور ایستاده بود، بر او ظاهر شد. و زکریا چون او را دید، مضطرب شد.

ترس بر او مستولی شد. آیه ۱۳، فرشته به او گفت: « زکریا، نترس، زیرا دعای تو مستجاب شده است و همسرت الیزابت پسری به دنیا خواهد آورد و او را یحیی خواهد نامید.» بگذارید مکثی کنم تا نکته‌ای را که در درونم جرقه زد، برجسته کنم.

کل ایده این است که وقتی مردم با خدا روبرو می‌شوند، کم‌کم متوجه می‌شوند که هیچ‌کس نیستند. آنها شروع به داشتن این ترس و هیبت می‌کنند. ما این را در اشعیا، موسی و دیگر شخصیت‌های عهد عتیق دیدیم.

اینجا، ما در معبد می‌بینیم، و به محض اینکه او با فرشته روبرو می‌شود، ترس بر او غلبه می‌کند. ترس بر او غلبه کرد، و شما این را بارها و بارها خواهید دید. مریم قرار است وقتی با فرشته روبرو می‌شود، این را تجربه کند.

ما دوباره خواهیم دید که وقتی دیگران با فرشته روبرو می‌شوند، آن حس ترس در آنها شروع می‌شود. و زبان همیشه این خواهد بود: نترس. شجاع باش.

دوستان، زکریا این را به طور غیرمنتظره‌ای تجربه کرد. تصور کنید. او بارها برای انجام وظیفه خود در آن معبد بوده است.

هیچ چیز شبیه به این اتفاق نیفتاده است. هیچ سابقه‌ای وجود نداشته که بگوییم در مقطعی از تاریخ چنین اتفاقی افتاده است، و این یک احتمال است، و وقتی اتفاق می‌افتد، باید به این شکل با آن برخورد کنید. خیر.

زکریا با این فرشته روبرو شد که به او چیزی قابل توجه گفت. دعاهاى او مستجاب شده است. همسرش باردار خواهد شد.

او فرزندی به دنیا خواهد آورد و نامش یحیی خواهد بود. لطفاً سخنان فرشته را در چند روز اول از دست ندهید. نترسید.

در روایت دوران نوزادی، خواهید دید که اگر قرار است خداوند هنگام مواجهه مردم با او، اتفاقات خارق‌العاده‌ای را رقم بزند، مردم با هویت خود کنار می‌آیند و از ترس و هیبت و احترام وحشت می‌کنند و خداوند از طریق فرشتگان صحبت خواهد کرد، زیرا از طریق روش‌های دیگر، نترسید و موفقیت آشکار خواهد شد. در حالی که همه این اتفاقات در حال رخ دادن است، به ما گفته شده است که جمعیتی در بیرون در حال دعا هستند، منتظرند و شاید از خود می‌پرسند که با زکریا در داخل چه می‌گذرد. اما وقتی او بیرون آمد، متوجه شدند که نمی‌تواند صحبت کند.

تصور کنید اتفاقی در اورشلیم در حال رخ دادن است. افکار مردمی را تصور کنید که در حالی که متوجه می‌شوند کشیش زنده برگشته، دعا می‌کنند. کشیش هیچ نقص جسمی خاصی ندارد، اما نمی‌تواند صحبت کند.

چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ نوزادی به دنیا خواهد آمد و نامش یحیی خواهد بود. فرشته اطلاعات خاصی به زکریا داد. من پنج بخش از این پیام را برای شما بیان می‌کنم.

الیزابت الیزابت، زنی که در تمام سنین نازا است، پسری به دنیا خواهد آورد. شما باید آن پسر را یحیی ۱. بنامید، و وقتی آن پسر به دنیا آمد، اشتباه نکنید، لطفاً اجازه ندهید که شراب یا هر نوع الکل انگوری بنوشد او باید سنت ناصری را طبق اعداد ۶:۳ و داوران ۱۳:۲-۵ رعایت کند. اما اتفاق عجیبی در یهودیت معبد ۲. دوم در حال رخ دادن است.

اوه، آن پسر، اینجاست که ظاهر کاریزماتیک او خودش را نشان می‌دهد. او از روح القدس پر خواهد شد. از ایده روح القدس فرار کن.

عهد عتیق را مرور کنید و به دنبال ذکر روح القدس باشید. و از اینکه متوجه خواهید شد که چگونه لوقا روح را در صدر وقایع قرار می‌دهد، شگفت‌زده خواهید شد. روح با یوحنا خواهد بود.

یوحنا از روح القدس پر خواهد شد. او همچنین در روح و رفتار الیاس خواهد بود. وای! وای! به نکته‌ای در ساختار روایت لوقا توجه کنید.

لوقا کار بسیار جالبی انجام می‌دهد وقتی فرشته برای اولین بار در مورد یک معجزه بزرگ در مورد کسی که قرار است متولد شود، ظاهر می‌شود و بعداً خود مسیح متولد خواهد شد؛ او به یک مرد ظاهر می‌شود. اما یک فرشته نیز به یک زن ظاهر می‌شود. این یک مشاهده بسیار جالب است که فرد شروع به درک این می‌کند که همین فرشته به یک زن نیز ظاهر خواهد شد.

جبرئیل بر زکریا ظاهر می‌شود، و بعداً، جبرئیل بر مریم ظاهر می‌شود. بیابید کمی در مورد مریم صحبت کنیم. مریم حدوداً ۱۲ ساله خواهد بود، در آستانه ۱۳ سالگی.

رسم بر این است که او می‌تواند در ۱۲ سالگی نامزد شود و ازدواج می‌تواند در ۱۳ سالگی به پایان برسد. حالا اگر شما در ایالات متحده هستید، پس شما هم مثل دانشجویان من به ۱۳ سالگی فکر می‌کنید، که خیلی زود است! خدا را شکر برای تمدن. چون اگر در ایالات متحده هستید، بگذارید به شما یادآوری کنم که تا اواخر قرن نوزدهم، دقیقاً تا سال ۱۸۸۰، سن رضایت در همه ایالت‌ها به جز یکی، ۱۰ سال بود.

سن رضایت تا سال ۱۸۸۰ در آمریکا ۱۰ سال بود. در ایالت دلاور، ۷ سال بود. ببینید، ممکن است شما هم مثل دانشجویان من تعجب کنید. پس باید این واقعیت را درک کنید که در فرهنگ باستانی یهود که یوسف و مریم در آن بودند، سطحی از نجابت وجود داشت که می‌گفتند زن را می‌توان در ۱۲ سالگی به ازدواج داد، اما ازدواج تا ۱۳ سالگی نمی‌تواند کامل شود.

امروزه در آمریکا، سن رضایت جنسی بسته به ایالت، از ۱۶ تا ۱۸ سال متغیر است. در بیشتر کشورهای آمریکای مرکزی، این سن بین ۱۴ تا ۱۷ سال است. در تحقیقات خودم که سعی داشتم سن رضایت جنسی را، در نقاط مختلف جهان پیدا کنم، به این مشاهده جالب برخوردم که در بسیاری از کشورهای آفریقایی، چیزی به عنوان سن رضایت جنسی وجود ندارد.

بنابراین، وقتی ما مسائلی مانند قاچاق جنسی کودکان و همه این چیزها را داریم، این از موضوع اصلی من منحرف می‌شود، اما ببینید، آنها حتی ساختارهای خوبی برای آن ندارند. مری برای آمریکای قرن نوزدهم پیر بود، ۱۲ تا ۱۳ ساله. اما یک دقیقه با من همراه باشید.

بنابراین، وقتی ۱۲ ساله هستید، مثلاً ۱۲ سال و نیم، و با یک فرشته روبرو می‌شوید، فرشته قرار است این پیام را به شما برساند. آیه ۲۸، شش ماه بعد، فرشته جبرئیل از جانب خدا به شهری در جلیل به نام ناصره

فرستاده شد، نزد باکره‌ای که نامزد مردی به نام یوسف از خاندان داوود بود و نام باکره مریم بود. او نزد او آمد و گفت: سلام، ای کسی که مورد لطف قرار گرفته‌ای، خداوند با توست

اما او از این سخن بسیار مضطرب شد و کوشید تا بفهمد که این چه نوع سلامی می‌تواند باشد، و فرشته به او گفت: «ای مریم، نترس، زیرا تو مورد لطف خدا قرار گرفته‌ای و اینک حامله خواهی شد و پسری خواهی زایید و نام او را عیسی خواهی گذاشت. او بزرگ خواهد بود و پسر خدای متعال نامیده خواهد شد و خداوند خدا تخت پدرش داوود را به او خواهد داد و او تا ابد بر خاندان یعقوب سلطنت خواهد کرد و «پادشاهی او را پایانی نخواهد بود.» و مریم به فرشته گفت: «این چگونه خواهد بود، زیرا من باکره هستم؟ و فرشته به او پاسخ داد: «روح القدس بر تو نازل خواهد شد و بخش خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند.»

بنابراین، آن نوزاد به دنیا خواهد آمد. نوزادی که به دنیا خواهد آمد، مقدس و پسر خدا نامیده خواهد شد و اینک، خویشاوند تو الیزابت، در سن پیری، نیز پسری باردار شده است، و این ششمین ماه از بارداری اوست، که نازا نامیده می‌شد. زیرا هیچ چیز برای خدا غیرممکن نخواهد بود، و مریم گفت: «اینک من بنده خداوند هستم، بگذار طبق کلام تو برای من بشود و فرشته از او دور شد.» وای! بنابراین، تصور کنید که یک کودک ۱۲ ساله این را می‌شنود و الگوی دیگری را مشاهده می‌کند. فرشته بر او ظاهر می‌شود و ناگهان او وحشت می‌کند. او پیام را می‌شنود و وحشت می‌کند، و فرشته می‌گوید نترس. چرا؟ تو پسری خواهی داشت و نامش را عیسی خواهی گذاشت (آیه ۳۱)، این فرزند پسر خدا نامیده خواهد شد و حتی اگر نگران چگونگی بارداری خود باشی، او تاج و تخت داوود را بر سر خواهد گذاشت. اوه، تو توسط روح القدس باردار خواهی شد و این نشانه تأیید است، نشانه تأیید این است که اگر می‌خواهی خویشاوند خود الیزابت را که تصور می‌شد نمی‌تواند باردار شود، بررسی کنی، او باردار شده است و او شش ماه از بارداری‌اش می‌گذرد. وای! وای می‌بینید، مریم پر از فیض خوانده خواهد شد، به خصوص پر از فیض، بخشی از ساخت انواع دکترین در چند سال آینده خواهد بود. ضمناً، اگر می‌خواهید بدانید کدام بخش از این بشارت بین لوقا و متی دعای کاتولیک «سلام بر مریم» را شکل می‌دهد، من اینجا هستم تا به شما بگویم که این بخش از بشارت است که در آن مریم بسیار مورد لطف و پر از فیض خوانده خواهد شد.

اگر کاتولیک هستید و به این مجموعه سخنرانی‌ها گوش می‌دهید، بگذارید به شما یادآوری کنم که هر زمان که دعای «سلام بر مریم، ای پر از فیض، خداوند با توست، تو در میان زنان مبارک هستی، و عیسی، ثمره رحم تو مبارک است» را می‌خوانید. مریم مقدس، مادر خدا، برای ما گناهکاران دعا کن. اکنون زمان مرگ ماست. هر زمان که این دعا را می‌خوانید، از لوقا به خاطر ثبت وقایع تشکر کنید.

مریم این فرزند را به دنیا خواهد آورد و نام او عیسی خواهد بود. این فرزند کسی خواهد بود که تغییرات چشمگیری را در جهانی که ما می‌شناسیم، به ارمغان خواهد آورد. همانطور که لوک تیموتی جانسون می‌نویسد، برخلاف زکریا، متوجه می‌شویم که مریم هیچ مقام رسمی در بین مردم ندارد. او از نظر رعایت تورات به عنوان عادل توصیف نشده است و تجربه او در یک محیط فرقه‌ای اتفاق نمی‌افتد.

او یکی از ناتوان‌ترین افراد جامعه‌اش است. و اگر بخواهم اضافه کنم، او در روستایی به نام ناصره بود. او در دنیایی که به سن و سال بها می‌دهد، جوان است.

اگر اجازه بدهید اضافه کنم، او فقط بین ۱۲ تا ۱۳ سال سن خواهد داشت. او زن بود، در دنیایی که مردان بر آن حکومت می‌کردند. او در یک اقتصاد طبقاتی فقیر بود.

علاوه بر این، او نه شوهری دارد و نه فرزندی که وجودش را تأیید کند. اینکه او باید مورد لطف خدا قرار می‌گرفت و بسیار با استعداد بود، نشان می‌دهد که درک لوقا از فعالیت خدا شگفت‌انگیز و اغلب متناقض است و تقریباً همیشه انتظارات انسانی را برعکس می‌کند. لوقا مریم را به پنج روش مهم به تصویر می‌کشد.

می‌بینید، لوقا به ما می‌گوید که مریم مورد لطف خدا بود. او می‌گوید که او زن بسیار متفکری بود. او دمدمی مزاج نبود، و با این حال، وقتی فرشته به او گفت که با خدا هیچ چیز غیرممکن نیست، مطیع نیز بود.

و لوقا به ما می‌گوید که به دلیل اعمالش، او به خاطر ایمان آوردنش مورد برکت قرار گرفت. تصویری که لوقا از مریم ارائه می‌دهد، این دختر نوجوان جوان است که ناظر تورات است و خداوند می‌تواند او را شایسته مادر مسیح موعود جهان بودن بداند. وای.

به این فکر کنید. اگر مسیح قرار است به جهان بیاید تا بر جهان حکومت کند، چه پیشینه‌هایی دارد؟ طرز فکر مرسوم در مورد چگونگی ظهور افراد بزرگ چیست؟ می‌بینید، اگر به زمان‌بندی و توازن نگاه کنید عیسی می‌آید تا پادشاهی خدا را به شیوه‌ای بسیار بسیار فروتنانه برقرار کند، و وقتی مردی که در یهودا پادشاه بود، هیرودیس، آمد، نیمه ادومی بود و احساس ناامنی بسیار زیادی می‌کرد. او با بازسازی معبد، ساختن یک بندر بسیار عظیم در قیصریه و وانمود کردن به اینکه من بزرگ هستم، مردم را رشوه می‌داد.

می‌دانید که او همسرش را داشت. همسرش از فرقه‌ی هاسمون‌ها بود. بنابراین، همسرش از محافظه‌کارترین اقشار جامعه بود که می‌توانست بله بگوید، اما خود آن مرد احساس ناامنی می‌کرد؛ تصور کنید که پادشاه یهودیان به دلیل اینکه از طریق ارتباط با روم به پادشاهی رسیده بود، اینقدر ناامن بود.

و حالا او دارد می‌شنود که مسیح موعود متولد شده است. مسیح موعودی که یهودیان انتظارش را داشتند. یهودیان منتظرش بودند، اکنون در حال به وجود آمدن است. اما از نظر موازنه قدرت به آن فکر کنید.

به ما گفته شده است که در روزگار هیرودیس پادشاه، فرمانی از قیصر آگوستوس صادر شد. تصاویری قدرتمند در تاریخ جهان. اما این زمینه‌ای است که مریم این پیام را دریافت خواهد کرد.

تو پسری به دنیا خواهی آورد که نامش عیسی خواهد بود. تو والامقام خواهی بود.

در واقع، شما زن محبوبی هستید که می‌توانید با مسیح، بارداری را به جهانی که نیازمند یک ناجی است، منتقل کنید. مریم در پیامی که ارائه می‌دهد، این زبان نبوی خاص را دارد: او فراخوانده خواهد شد.

او نامیده خواهد شد. و او سلطنت خواهد کرد. مسیح نامیده خواهد شد، و او فراخوانده خواهد شد، و او سلطنت خواهد کرد.

من از اینکه او تمام این پیام‌ها را از آیات ۳۷ و ۳۸ دریافت کرد، خوشم آمد. وقتی فرشته آن جمله را تمام کرد که هیچ چیز برای خدا غیرممکن نخواهد بود، آن دختر نوجوان که وحشت زده شده بود، برگشت و «گفت»: «بین، من بنده‌ی خداوند هستم».

بگذار طبق کلام تو برای من بشود. اینک من بنده خداوند هستم. بگذار طبق کلام تو برای من بشود.

و فرشته از او جدا شد. لوقا به ما یادآوری می‌کند که وقایع به شکلی بسیار قابل توجه در حال وقوع هستند و دو زن قرار است ظرف‌های قابل توجه دو شخصیت کلیدی باشند که پیشگویی‌های مسیحایی را که در آن

یکی می‌گوید پیامبری با روح الیاس خواهد آمد و دیگری می‌گوید مسیح از نسل داوود خواهد آمد، به تحقیق خواهند رساند. همانطور که قبلاً گفتم، این ایده که روح به زن کمک می‌کند تا باردار شود، شناخته شده بود.

ما می‌دانیم که افلاطون فرزند آپولو توصیف شده است. اما افلاطون والدینی داشته است. ما همچنین می‌دانیم که به ویژه در سنت رومی، هر زمان که افرادی به افراد بزرگی تبدیل می‌شوند، همه ادعا می‌کنند که پسران یک خدا یا الهه خاص هستند تا نوعی جایگاه الهی به قدرت سیاسی خود اضافه کنند تا بتوانند بیشتر بر مردم تأثیر بگذارند.

پلوتارک در مورد برخی از این موارد صحبت می‌کند، اما این ایده را که یک روح می‌تواند با یک زن رابطه جنسی برقرار کند، رد می‌کند. پلوتارک، در نوشته‌ای در مورد آن، می‌گوید که این چیزی است که مصریان در مورد آن صحبت می‌کنند، اما آن را بسیار مشکوک می‌داند. در واقع، به گفته پلوتارک، مصریان در اینجا تمایزی قائل می‌شوند که قابل قبول به نظر می‌رسد، یعنی اینکه در حالی که یک زن می‌تواند در دوران بارداری توسط یک روح الهی مورد توجه قرار گیرد، چیزی به عنوان رابطه جنسی و ارتباط جسمانی بین یک مرد و یک الوهیت وجود ندارد.

این ایده که یک روح می‌تواند یک زن را باردار کند، چیز جدیدی نیست. با این حال، این که یک روح به تنهایی و ۱۰۰٪ مسئول بارداری باشد، جدید است. اما می‌بینید، ما شاهد این هستیم که این موضوع اینجا فقط در مورد مریم صدق می‌کند.

اگر کاتولیک باشید، اینجاست که برخی از آموزه‌ها پدیدار می‌شوند و می‌گویند مریم شخصی بسیار منحصر به فرد است، که خدا این را انتخاب خواهد کرد و او تا آخر عمر باکره خواهد ماند. اما اگر پروتستان باشید، روایت را همانطور که لوقا روایت می‌کند، به همان شکل اولیه‌اش می‌پذیرید. اینکه خدا این زن فوق‌العاده را انتخاب می‌کند که در کلیساهای ما بیش از آنچه شایسته‌اش است، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

اما قرار نیست او تا آخر عمر باکره بماند، و قرار نیست کسی باشد که بتوانیم برایش دعا کنیم یا از او شفاعت بخواهیم، آنطور که کاتولیک‌ها فکر می‌کنند. اما یک لحظه صبر کنید. به گفته لوک، او یک تجربه منحصر به فرد دارد.

تجربه‌ای بی‌نظیر. لوقا می‌نویسد که در آن روزها، مریم برخاست و با عجله به شهری در تپه‌های یهودیه رفت و وارد خانه زکریا شد و به الیزابت سلام کرد. و هنگامی که الیزابت سلام مریم را شنید، بچه در رحمش تکان خورد و الیزابت از روح القدس پر شد و با فریاد بلند گفت: «تو در میان زنان مبارک هستی»

خوشا به حال ثمره رحم تو. و چرا این به من عطا شده است؟ که مادر خداوندم نزد من بیاید. زیرا اینک هنگامی که صدای سلام تو به گوشم رسید، نوزاد در رحم من از شادی به جنبش درآمد و خوشا به حال کسی که ایمان دارد که آنچه از جانب خداوند به او گفته شده است، به انجام خواهد رسید.

که بعداً به آن به عنوان شکوه مریم اشاره خواهیم کرد. و مریم گفت: «جان من خداوند را ستایش می‌کند و روح من در خدا، نجات‌دهنده‌ام، شادمان است، زیرا او به وضعیت فروتنانه بنده‌اش توجه داشته است. از «این پس، همه نسل‌ها مرا خوشبخت خواهند خواند»

زیرا آن قادر مطلق کارهای بزرگی برای من انجام داده است. نام او مقدس است. رحمت او نسل اندر نسل شامل حال کسانی می‌شود که از او می‌ترسند.

او با بازوی خود کارهای عظیم انجام داده است. او کسانی را که در افکار خود متکبر هستند پراکنده کرده است. او فرمانروایان را از تخت‌هایشان به زیر کشیده اما فروتنان را پر کرده است.

او گرسنگان را با چیزهای نیکو سیر کرده است، اما ثروتمندان را دست خالی روانه کرده است. او همچنین به بنده خود اسرائیل کمک کرده است تا به یاد داشته باشد که برای همیشه نسبت به ابراهیم و فرزندانش مهربان باشد، همانطور که به اجداد ما قول داده بود. وقتی مریم به دیدار الیزابت رفت، این همان چیزی بود که در حال وقوع بود.

الیزابت با فروتنی بسیار ژستی بسیار ناشایست می‌گرفت. او می‌پرسید چه افتخاری برای من، به عنوان فردی نالایق، که میزبان مادر خداوند هستم. او در روایت لوقا به شیوه‌ای نبوی به عیسی، نوزاد در رحم، به عنوان خداوند در مرحله خود اشاره می‌کند. الیزابت بدون اینکه مریم صحبت کند یا کلمه‌ای بگوید، از قبل می‌دانست که مریم مسیح را در رحم خود حمل می‌کند. او در ادامه می‌گوید که خدا در حال انجام پیشگویی‌های مسیحایی است.

خدا دارد برای تحقق بخشیدن به آنچه که می‌خواهد با قومش انجام دهد، عمل می‌کند. وای. وای.

عیسی مسیح تنها کسی نیست که فرشته درباره او گفته است. او نه تنها کسی است که توسط دختر نوجوانی که باردار است، تجربه می‌شود، بلکه حتی خویشاوند او در یک منطقه کوهستانی دورافتاده در یهودیه اکنون شروع به اجرای یک سنت نبوی کرده است. ما می‌دانیم که الیزابت از نسل کاهنان هارون می‌آید، اما هیچ تاریخی مبنی بر پیامبر بودن او نداریم، در اینجا، او در حال نبوت و شهادت دادن به وضعیت نوزاد در رحم است.

یحیی به دنیا خواهد آمد. یحیی به دنیا خواهد آمد، و ما شاهد اتفاقات زیادی در زندگی یحیی تعمید دهنده خواهیم بود، و به دنبال آن اتفاقاتی که در زندگی مسیح رخ خواهد داد. در اینجا چیزی که در بخش اول روایت نوزادی می‌یابیم این است.

در بخش اول روایت نوزادی می‌بینیم که به سوژه‌ها اطلاع داده می‌شود که فرزندان به دنیا خواهند آمد. زکریا در معبد و مریم در ناصره. همه آنها باردار خواهند بود.

ملاقات فرشته در هر دو مورد واقعی خواهد بود. همان فرشته به ملاقات مردی به نام زکریا خواهد رفت و همان فرشته به ملاقات زنی به نام مریم خواهد رفت. و نحوه کنار هم قرار دادن این وقایع توسط لوقا.

لوقا شروع به نشان دادن این می‌کند که چگونه شخصیتی شبیه الیاس درست در زمان مناسب در پیوند با سنت خانوادگی گسترده‌تر، که منجر به تولد مسیح می‌شود، ظهور می‌کند، کسی که قرار است بقیه داستان را از فصل ۳ لوقا شکل دهد. در بخش اول روایت نوزادی، امیدوارم متوجه شده باشید که چگونه لوقا عاملیت موجودات معنوی و مسئولیت و اطاعت انسان را نشان می‌دهد. در دنیای لوقا، فرشتگان می‌توانند صحبت کنند. روح با مردم کار خواهد کرد.

مردم قادر و توانمند شده‌اند تا به صورت نبوی سخن بگویند. جنسیت در اینجا اهمیتی نداشت. در واقع، این اتفاق هم برای مردان و هم برای زنان رخ داد.

خداوند در جهان در حال انجام کاری است و این کار روایت پادشاهی خدا را شکل می‌دهد، روایتی که تئوفیلوس باید از آن آگاه باشد و بقیه جهان نیز باید از آن آگاه شوند. همچنان که در این مطالعه پیش

می‌رویم، امید و دعای من این است که شما به همان اندازه که قلبتان باز است، درگیر آن نیز باشید. اینکه با این خدای قادر که فرشته درباره‌اش گفت، همه چیز با او غیرممکن است، روبرو شوید.

او قادر است غیرممکن‌ها را ممکن کند، زیرا او خداست و ما نیستیم. امیدوارم که شما در حال یادگیری باشید و از طریق این تجربه یادگیری با هم، اشتیاقمان برای تبدیل این دنیا به مکانی بهتر و تبدیل شدن به افرادی که خدا می‌خواهد، افزایش یابد. خدا شما را حفظ کند.

این دکتر دن دارکو و آموزه‌های او در مورد انجیل لوقا است. این جلسه ۳، روایت‌های دوران نوزادی، بخش لوقا ۱:۱ = ۲:۵۲ است، ۱.